

سیاست‌ها کلان رسانه‌ای در مواجهه با شهادت سردار سلیمانی



تعیین سیاست‌های کلان رسانه‌ای فارغ از قالب‌های مختلف، در پاسخ به این سوالات است که چه گزاره‌هایی در نسبت با چه مخاطبانی دنبال شود.

در ماجرای شهادت سردار سلیمانی دنیا در بهت و شوک بزرگی فرو رفته است اما این شک پایدار نمی‌ماند و روایت‌ها رسانه‌ای، ماجرا را به سمت خودشان و به نفع خودشان مصادره خواهند کرد لذا باید به سرعت و هوشمندانه وارد عمل شد و این ماجرا را با همه‌ی حجم تلخی خود به فرصتی بی‌بدیل در ایجا فضای ضد آمریکایی، انسجام ملی و انسجام منطقه‌ای تبدیل کرد.

گزاره‌های عام سیاست رسانه‌ای و همچنین دسته‌بندی کلان مخاطبان و گزاره‌های سیاست رسانه‌ای ذیل آنها به شرح جداول زیر بیان می‌شود:

راهبردهای عام رسانه ای در نسبت با محور های زیر:

آمریکا	۱. شهادت قاسم سلیمانی از سوی آمریکا انتقام انهدام داعش بود. آمریکا بقدری پست شده که خود را تا حد انتقام گیرنده و خونخواه داعش تقلیل داده است.
	۲. آمریکا نشان داد که برای به هم ریختن منطقه و ادامه سیطره خود هیچ ایده ای جز بازگشت وحشی گری داعشی ندارد؛ آنها با حذف قاسم سلیمانی به دنبال تضعیف همه جانبه و از میان برداشتن مهم ترین جریان مقاومت در برابر ناامنی و وحشیگری و جنگ طلبی بودند.
	۳. پاسخ ایران به آمریکا در ماجرای اخیر نه تنها جنگ طلبی نیست بلکه بزرگترین مواجهه تمام کننده با جنگ طلبی و جنگ طلبان خواهد بود. پاسخ ایران در راستای پایان جنگ طلبی است که آمریکا در منطقه به راه انداخته است.
	۴. مقابله ایران از جنس مقابله به مثل نخواهد بود و بلکه بسیار برتر از مقابله به مثل است. آمریکایی ها این را حدس زده اند لذا بازی دوگانه ای را شروع کرده اند که یک طرف آن ترامپ و طرف دیگر آن هیات حاکمه آمریکا است که اگر پروژه شکست خورد ترامپ را محاکمه کنند اما ایران به دنبال بیرون کردن کل حاکمیت آمریکا در منطقه است و انتقام را در مقابل تصمیم شخصی رییس جمهور آمریکا نمی داند بلکه کل حاکمیت آمریکا را عامل این جریان می داند و به دنبال حذف ریشه های این حاکمیت است.
	۵. آمریکا که مدعی مبارزه با تروریسم است خود به وحشیانه ترین و بزدلانه ترین حالت، دست به ترور زده است.
	۶. دوره بزن در روها تمام شده و ترس مقامات آمریکایی از این اقدام حاکی از شناخت آنها از مقابله ی سخت ایران است
	۷. انتقام گیرنده تنها ایران نیست بلکه تمام ملت هایی است که تحت حاکمیت آمریکا به آنها ظلم شده است. از بحرین و سوریه و لبنان و یمن...
	۸. بخش زیادی از ترس آمریکا در اقدام علیه ایران همواره این بوده است که به صورت دومینو وار مواضع و پایگاه های خود را از دست خواهد داد و باید منتظر اتفاقات غافلگیرکننده و شدید ایران باشد. در این راستا باید همچنان این تصویر و این رعب و وحشت برای آمریکا حفظ شود و ترس و هراس از اقدام پیچیده، هوشمندانه، غافلگیر کننده و سخت ایران، آنها در برزخی از رعب نگه دارد.
اسرائیل	۱. الگوی حمله و نوع گردهای اسرائیلی است. ترور حاج قاسم از جنس ترور شیخ احمدیاسین، سیدعباس موسوی، سمیرقنطار و رنتیسی است؛ لذا اسرائیلی ها بیش از آمریکایی ها ترسیده اند
	۲. امام فرمود راه قدس از کربلا می گذرد؛ شهادت قاسم پیش بینی سقوط اسرائیل طی ۲۵ سال را حداقل ۲۰ سال جلو انداخت.
	۳. اسرائیل باید نابود شود و خواهد شد. چه قاسم ترور بشود و چه نشود. مساله ما شهادت قاسم نیست که شهادت سرنوشت محتوم مقلدان خمینی است؛ مساله مانابودی اسرائیل و نجات بشریت از چنگال جریان جهانی ضدانسانی و ضدخداست که بزودی فرا خواهد رسید.

۴. نتیجه اتفاقی که در بغداد افتاد نه در تهران و نه حتی در بغداد بلکه در تل آویو تجلی خواهد کرد. آمریکایی ها از بغداد رفتند که رفتن بی بازگشتی خواهد بود و اسرائیلی ها هم بهتر است زودتر فلسطین را ترک کنند زیرا منطقه برای آنها بیش از پیش ناامن خواهد بود

گروه اول: مخاطبان داخلی

۱	ایران نیروی بزرگی را از دست داده است اما راه و خط او و فکر مقاومت ادامه دارد و هزاران هزار نفر از این موج به پا می خیزند
۲	بعد از این اتفاق، اوضاع کشورهایی که در این اتفاق مداخله داشته اند بحرانی است و آن ها در رعب و وحشت فرور رفته اند نه ایران
۳	شهادت حاج قاسم عامل اتحاد و انسجام ملی در برابر دشمن خارجی است
۴	نمونه های شجاعت و دلاوری حاج قاسم در فرماندهان دیگر نیز وجود دارد و فرماندهان مقتدر دیگر جای حاج قاسم را پر می کنند.
۵	آحاد ملت در همه گروه های فکری و عقیدتی آمادگی عکس العمل به این اتفاق را دارند
۶	انتقام گیرنده تنها ایران نیست بلکه تمام ملت هایی است که تحت حاکمیت آمریکا به آنها ظلم شده است. از بحرین و سوریه و لبنان و یمن...
۷	پاسخ ایران به آمریکا در ماجرای اخیر نه تنها جنگ طلبی نیست بلکه بزرگترین مواجهه تمام کننده با جنگ طلبی و جنگ طلبان خواهد بود. پاسخ ایران در راستای پایان جنگ طلبی است که آمریکا در منطقه به راه انداخته است.

علاوه بر سیاست های کلانی که در بالا به آن اشاره شد باید این ملاحظه را در نظر داشت که در سیاست رسانه ای داخل، شخصیت حاج قاسم سلیمانی به عنوان شخصیتی ایرانی و نماد اسطوره ایرانی برجسته شود.

علاوه بر شخص حاج قاسم، همراهانی که با او به شهادت رسیده اند نیز باید برجسته شوند.

گروه دوم مخاطبان: مردم عراق

۱	ایده "عراق مستقل" بر اساس حس ناسیونالیستی زیادی که در عراق وجود دارد مقبولیت زیاد دارد که میتواند علیه آمریکا تقویت شود. باید این خط را دنبال کرد که اگر مردم عراق خواهان عراق مستقل هستند مادامی که آمریکا در عراق حضور دارد این اتفاق نخواهد افتاد و عراق مستقل تنها با خروج آمریکا از عراق امکان پذیر است. این اتفاق نمادی از نقض حاکمیت عراق است. آمریکایی ها عراق را تحقیر می کنند و حاکمیت مستقل آن را به رسمیت نمی شناسند.
---	---

۲	این ترور در خاک عراق انجام شده و نشان می دهد آمریکا در عراق دست خود را برای عملیات باز دانسته است که دست به چنین اقدامی زده و این با غیرت و تعصب ملت عراق در تضاد است که آمریکا چنین آزادانه در کشورشان دست به چنین اقداماتی میزند
۳	آمریکا ۱۶ سال است که در عراق حضور دارد. بالاخره باید " نقطه پایان حضور آمریکا" در عراق مشخص شود. با اراده و مطالبه مردم این اتفاق می تواند نقطه پایان حضور آمریکا باشد.
۴	در این ۱۶ سال آمریکا تنها حاکمیت عراق را نقض کرده و آنها را تحقیر کرده است. نمونه تاریخی این نوع حضور آمریکا، کشور ژاپن است که بعد از گذشت سالها هنوز در پایگاه های نظامی آمریکا در ژاپن به زنان ژاپنی تجاوز می شود.
۵	آمریکا هر جا حضور پیدا کند ایده ای جز پرورش داعش و طالبان ندارد نمونه بارز آن افغانستان و پاکستان است. در صورت ادامه حضور آمریکا، سرنوشت عراق مانند افغانستان و پاکستان خواهد شد.
۶	آمریکا در طول ۱۶ سال حضور خود در عراق، تنها منافع خود را تامین کرده و هیچ نفعی برای مردم عراق نداشته است و اگر بنا بود کشور عراق در همراهی با آمریکا به توسعه دست پیدا کند، باید بخشی از آن در طول این ۱۶ سال بروز پیدا می کرد.
۷	حضور آمریکایی ها در عراق باید همراه با ناامنی و تهدید باشد. بخش زیادی از این تهدید از جانب مردم و فشار های مردم در نگاه به آمریکا هایی ایجاد می شود.
۸	آمریکا دشمن مشترک ایران و عراق است. شهادت حاج قاسم و ابومهدی این مساله را تایید می کنند.
۹	بعد از این اتفاق اوضاع کشورهای که در این اتفاق مداخله داشته اند بحرانی است و آن ها در رعب و وحشت فرور رفته اند نه عراق

علاوه بر گزاره های کلانی که در بالا با آن اشاره شد باید توجه داشت که در کشور عراق، شخصیت ابومهدی المهندس محور رسانه ای قرار گیرد.